



DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.55.1.8

A Strategic -Secure Analysis of Global Powers in the Context of Geopolitics and Its Impact on Iran's National Security; A Case Study on Competition And Influence In The Indian Ocean

Ebrahim Zarghami ¹ | Farzad Soltani ² | Mehdi Javedani Moghadam ³

Abstract

The world is the arena of competition and cooperation of space political and economic actors to ensure security, maintain national interests and develop the level of welfare. One of the most important factors to reach this goal is to identify, make policies and use power to access strategic areas of the world. The available data show that in the near future, the Indian Ocean will become the center of global attention in the 21st century. This region of the world is related to factors such as increasing international trade, demographic changes, integration of economies, modernization of ports and shipping, increasing dependence of economic powers in energy supply and growth of strategic interests of powers. Therefore, the Indian Ocean will emerge as an area of intense competition between America, China, India and other world powers. After that, Iran's national security will be affected, especially in the field of maritime security. This issue is one of the important symptoms of the transition from traditional geopolitics and entering the new structure of global geopolitics. In this framework, the main question of this article is what are the most important issues and issues in the equations of world powers in the context of the new global geopolitic structure focusing on the Indian Ocean and what effect will it have on Iran's national security? The findings of this research, which was carried out in a descriptive and analytical way, show that the security of sea lines, reliable access to energy, the competition between China and the United States, tensions over sea and subsea resources, and then the formation of security alliances are important issues. They are in the strategic area of the Indian Ocean, which will have a direct impact on the country's national security, especially in the field of maritime economy and military deterrence on the sea.

Keywords: Strategy, National Security, Geopolitics, World Powers, Indian Ocean

1. Corresponding Author, Ph.D. in Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Farzad Soltani, MA in World Studies, Isfahan University, Isfahan, Iran. H.mmirzaie@chmail.ir

3. Assistant Professor, Department of International Relations, Imam Sadeq University (peace be upon him), Tehran, Iran.



DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.55.1.8

تحلیل راهبردی - امنیتی معادلات قدرت‌های جهانی در

بستر ژئوپلی‌نومیک و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران؛

مطالعه موردی: رقابت و نفوذ در اقیانوس هند

ابراهیم ضرغامی^۱ | فرزاد سلطانی^۲ | مهدی جاودانی مقدم^۳

چکیده

جهان عرصه رقابت و همکاری بازیگران سیاسی - فضایی و کنشگران اقتصادی برای تأمین امنیت، حفظ منافع ملی و توسعه سطح رفاه است. یکی از مهم‌ترین عوامل دسترسی به این مهم، شناسایی، سیاست‌گذاری و به‌کارگیری قدرت در جهت دسترسی به مناطق راهبردی جهان است. داده‌های موجود گویای آن است که در آینده نزدیک، اقیانوس هند، به مرکز توجهات جهانی در قرن بیست و یکم تبدیل خواهد شد. این منطقه از جهان با عواملی همچون افزایش تجارت بین‌المللی، تغییرات جمعیتی، ادغام اقتصادها، مدرنیته شدن بنادر و کشتیرانی، افزایش وابستگی قدرت‌های اقتصادی در تأمین انرژی و رشد منافع راهبردی قدرت‌ها مرتبط است. از این رو، اقیانوس هند به‌عنوان یک حوزه رقابتی شدید بین آمریکا، چین، هند و دیگر قدرت‌های جهانی پدیدار خواهد شد. به دنبال آن امنیت ملی ایران به ویژه حوزه امنیت دریایی نیز متأثر خواهد شد. این مسئله از نشانگان مهم گذار از ژئوپلیتیک سنتی و ورود به ساختار جدید ژئوپلی‌نومیک جهانی است. در این چارچوب، سوال اصلی این مقاله این است که مهم‌ترین مسائل و موضوعات موجود در معادلات قدرت‌های جهانی در بستر ساختار جدید ژئوپلی‌نومیک جهانی با تمرکز بر اقیانوس هند کدامند و چه تأثیری بر امنیت ملی ایران خواهد داشت؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که امنیت خطوط دریایی، دسترسی مطمئن به انرژی، رقابت چین و آمریکا، تنش‌ها بر سر منابع بستر و زیر بستر دریا و به دنبال آن شکل‌گیری ائتلاف‌های امنیتی از مسائل و موضوعات مهم در حوزه راهبردی اقیانوس هند می‌باشند که تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی کشور به ویژه در حوزه اقتصاد دریایی و بازدارندگی نظامی در بستر دریا خواهد گذاشت.

واژگان کلیدی: راهبرد؛ امنیت ملی؛ ژئوپلی‌نومیک؛ قدرت‌های جهانی؛ اقیانوس هند.

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکترای رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Ezdarhome93@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات جهان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران

مقدمه

شرایط متحول و پیچیده جهان در عصر حاضر و پیش‌بینی پیچیدگی‌ها و تحولات بسیار گسترده در آینده، محیطی پویا و در حال تغییر را برای دستیابی کشورها به سطوح مختلف قدرت، ایجاد کرده است. اتخاذ تدابیر موفق برای دستیابی به قدرت به نوبه خود وابسته به یک استراتژی مناسب است. فلسفه استراتژی، مدیریت تغییر در محیط پویا، منعطف و پیچیده و دارای عدم اطمینان بالاست. وزن و جایگاه عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار در استراتژی به نسبت اهداف، منابع، ابزارها و چالش‌های پیش رو متفاوت است. یکی از حوزه‌های مهم و تأثیرگذار در استراتژی، دستیابی به مناطق راهبردی جهان است. یکی از اصلی‌ترین مناطق راهبردی جهان در حال حاضر و در آینده، حوزه اقیانوس هند است. در حال حاضر قسمت اعظم تجارت دریایی جهان اعم از کالا یا انرژی از طریق اقیانوس هند صورت می‌پذیرد و با توجه به نقش حیاتی این اقیانوس در کنترل خطوط مواصلاتی دریایی جهان، رقابت زیادی بین قدرت‌های جهانی برای حضور و قدرت‌نمایی در این منطقه وجود دارد. در ضمن با توجه به رشد اقتصادی کشور های این منطقه همانند چین و هند و نیاز روزافزون آن‌ها به انرژی و همچنین افزایش قابل ملاحظه تجارت دریایی روزبه‌روز بر اهمیت این اقیانوس افزوده خواهد شد و حضور و اعمال قدرت در این حوزه توسط هر کشوری، آن را تا سطح یک بازیگر مهم جهانی بالا خواهد کشید. به طور بنیادی، نیز گسترش حوزه نفوذ و فعالیت رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بروز چالش‌های نوین، زمینه تهدیدات امنیتی و نظامی در دریاهای پیرامونی شده است و دسترسی کشور را به برخی مناطق دریایی و همچنین توانایی مانور در داخل این مناطق را پیچیده می‌کند. ویژگی‌های مهم ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی حوزه اقیانوس هند در مقیاس جهانی باعث شده است که این منطقه به کانون محاسبات استراتژیک قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شوند، به نحوی که آن‌ها خواهان داشتن کنترل کامل یا حداقل داشتن قدرت فرمانروایی بر این منطقه از جهان برآیند. مناطق ژئوپولیتیک به‌عنوان کانون‌های رقابت بین قدرت‌ها، همواره حائز اهمیت بوده و هر کدام از قدرت‌ها بنا به میزان توان و دسترسی خود سعی در کسب منافع خود بر آمده‌اند. در این شرایط، با توجه به اینکه روابط بین قدرت‌ها در مناطق ژئوپولیتیک در بستری از رقابت شکل می‌گیرد، مقاله حاضر با نگاه به ویژگی‌های ژئوپولیتیک اقیانوس هند، به دنبال بررسی و تحلیل رقابت قدرت‌های جهانی در بستر ژئوپولیتیک و تأثیرگذاری آن بر امنیت ملی در این فضای جغرافیایی است تا از این مسیر، بتوان درک بهتری از صحنه‌های استراتژیک آینده و رقابت و نفوذ قدرت‌های جهانی پیدا کرد.

مبانی نظری پژوهش: از ژئوپلیتیک تا ژئوپلی نومیك

ژئوپلیتیک یکی از مفاهیمی است که تاکنون با کثرت تعاریف و تفاسیر مختلف علمی و کاربردی گوناگون مواجه شده است. با این وجود، مخرج مشترک همه این دیدگاه‌های نظری در دانش ژئوپلیتیک، به کنش متقابل جغرافیا (در مقیاس‌های مختلف) و سیاست در قالب مناسبات قدرت باز می‌گردد. بدین مفهوم که قلمروهای جغرافیایی به فراخور موقعیت و محتوایی که دارند در معنابخشی به الگوهای رفتاری (همکاری، هم‌آوردی و هم‌ستیزی) واحدهای سیاسی نقش آفرینند و به هویت و رویدادهای نواحی جهت می‌دهند (صفوی و بیژنی، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۴۷) و (کاویانی‌راد و تهامی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). براین اساس، ژئوپلیتیک، تدوین‌گر استراتژی برای مدیریت قدرت و «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر» بوده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۷). چنان‌چه در سیر تحول دانش ژئوپلیتیک، در تقسیم‌بندی اگنیو^۱ و دالبی^۲ از ژئوپلیتیک داروینیستی (جبر محیطی) تا پایان دوره ژئوپلیتیک جنگ سرد عملاً جغرافیا به‌عنوان متغیر مستقل شکل‌دهنده سیاست کشورها بوده است.

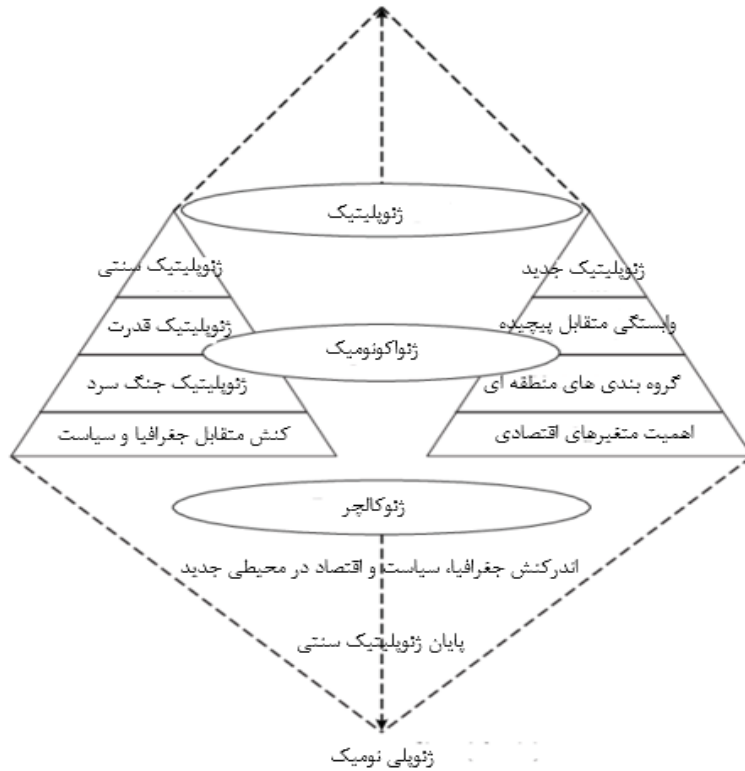
در این شرایط، با پایان جنگ سرد، ترکیب جغرافیا و سیاست در دانش ژئوپلیتیک با متغیر جدید اقتصاد همراه شد و ادوارد لوتواک^۳، مفهوم ژئواکونومیك^۴ را مطرح ساخت. در واقع، فضای جدید نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی سبب شده بود که با گذار از سیاست عالی^۵ به موضوعاتی که سابقاً در روابط بین‌الملل با عنوان حوزه سیاست دانی^۶ تلقی می‌شدند، ژئوپلیتیک نیز در قالب ژئواکونومیك تبیین گردد (لرت^۷، ۲۰۰۹: ۱۰، ۱۱). از ویژگی‌های دوران حاکمیت ژئواکونومی، اهمیت اقتصاد در عرصه جهانی و تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر بنیاد اقتصاد بود (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۵۳). این رویکرد از ترکیب سه عامل جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و بررسی روابط جغرافیا، قدرت و اقتصاد و تعامل این سه عنصر را برای کسب قدرت دولت‌ها مطالعه می‌کرد (زارعی، زینی‌وند و محمدی، ۱۳۹۴: ۷۵). بنابراین قدرت‌های راهبردی جهان، قدرت‌هایی در نظر گرفته می‌شدند که ظرفیت و پتانسیل اقتصادی، سیاسی و سیعی برای نفوذ در خارج از مرزهایشان در اقصی نقاط دنیا برای

1. Agnew
2. Dalby
3. Edward Luttwak
4. Geoeconomic
5. High Politics
6. Low Politics
7. Lorot

تصاحب منابع ژئواکونومیک را دارند. تلاش برای اعتلای عظمت ملی، تشدید فعالیت اقتصادی و در یک کلام حفظ و گسترش منافع از عوامل تحریک‌کننده این کشورها برای رسیدن به تفوق جهانی است (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۴۳).

در این میان، با پایان ژئوپلیتیک جنگ سرد و تلاش آمریکا برای استقرار نظم نوین جهانی در دوره بوش پدر و تحت تأثیر نظریات پایان تاریخ فوکویاما و جنگ تمدن‌های هانتینگتون، تمرکز بر ژئوکالچر و ابعاد تمدنی ژئوپلیتیک اولویت یافت و در این رهگذر، پیامدهای جنگ خلیج فارس نیز مزید بر علت برای تحول مفهومی ژئوپلیتیک و طرح دیدگاه‌های جدید در این زمینه شد. در این وضعیت، با ورود دانش ژئوپلیتیک به قرن ۲۱ میلادی، برخی از اندیشمندان به دلیل ویژگی‌های جدید و متمایز در عصر جدید، بر پایان ژئوپلیتیک سنتی و ورود به ژئوپلی‌نومیک تأکید کردند. در این زمینه، نظریه ژئوپلی‌نومیک متکی بر دیدگاه جورج دمکو^۱ و ویلیام وود^۲ و آفتاب کازی^۳، تمرکز اصلی خود را بر تجارت منطقه‌ای، قاره‌ای و بین قاره‌ای گذاشته و معتقد است که در دوره پساجنگ سرد و در قرن ۲۱ میلادی، در ترکیب سه عنصر جغرافیا، سیاست و اقتصاد، مؤلفه‌های ژئوپلی‌نومیک مانند کریدورهای انرژی، جاده‌های ابریشم مدرن و بنادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که سبب تحول الگوهای ژئوپلیتیک سنتی به ژئوپلی‌نومیک جهانی می‌شود.

1. George Demko
2. William Wood
3. Aftab Kazi



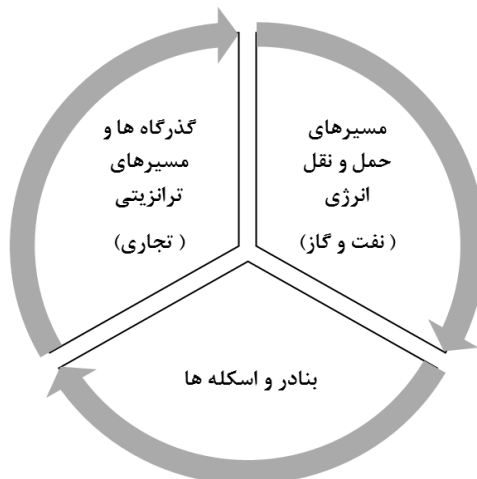
شکل ۱. تحول ماهوی و مفهومی ژئوپلیتیک

از دیدگاه «کازی»، ژئوپلی نومیك يك فرایند تکاملی تدریجی در ژئوپلیتیک است که توسط مکنیندر و هوفر مطرح شده بود و سپس در قالب رقابت های نظامی و تقابل ابرقدرت ها تعیین می شد اما در ژئوپلی نومیك، با تأکید بر مسیرهای ترانزیتی به جای منابع و ذخایر انرژی، جاده ابریشم جدید و تجارت بین قاره ای، برای اولین بار فرصت های همکاری از طریق پر کردن شکاف میان منافع متضاد در مناطق بوجود می آید (کازی، ۲۰۰۷). براین اساس، از دیدگاه کازی، مهمترین متغیرهای کلیدی ژئوپلی نومیك را می توان به شرح زیر برشمرد:

- تعامل متقابل جغرافیا، اقتصاد و سیاست در محیط جدید
- اولویت بخشی به کریدورهای خروجی انرژی بجای جستجوی منابع و ذخایر انرژی

- تمرکز بر مسیرهای ترانزیتی به‌ویژه جاده ابریشم جدید در ژئوپلیتیک نوین و رقابت قدرت‌های جهانی
- محوریت بنادر و کریدورهای حمل و نقل در عرصه تجارت منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌قاره‌ای در بازی جدید بزرگ
- نظم‌های در حال شکل‌گیری ناشی از منافع همگرا و واگرایی قدرت‌های جهانی که امکان همکاری را در عین تقابل میان آنان به‌وجود آورده است (پیشگاهی فرد و نورعلی، ۱۴۰۰: ۱۳۶۵-۱۳۶۶).

در این چارچوب، مقاله حاضر تلاش دارد تا موقعیت ژئوپلی‌نومی اقیانوس هند را به‌عنوان صحنه رقابت و نفوذ قدرت‌های جهانی در بستر ژئوپلیتیک نوین مورد ارزیابی قرار دهد.



شکل ۲. متغیرهای کلیدی ژئوپلی‌نومیک (منبع: نگارندگان)

روش پژوهش

روش پژوهش این پژوهش با توجه ماهیت موضوعی‌اش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب و مقالات و شبکه‌های اینترنتی و مجازی گردآوری شده است. در این مقاله با بر شمردن بنیان‌ها ژئوپلیتیک اقیانوس هند، به تحلیل معادلات قدرت در این حوزه پرداخته شده است، که از این مسیر نقش و جایگاه اقیانوس هند را در سرنوشت آینده دنیا، دید و در سیاست‌ها و راهبردهای جهانی و منطقه‌ای بیشتر مد نظر قرار داد.

محیط‌شناسی ژئوپلیتیک اقیانوس هند

اقیانوس هند، سومین اقیانوس پهناور جهان است به گونه ای که ۲۰ درصد از کره زمین را پوشش می‌دهد. این اقیانوس چهار آبراه مهم و حیاتی برای تجارت بین‌المللی دریایی شامل کانال سوئز در مصر، باب‌المندب (مرز جیبوتی و یمن)، تنگه هرمز (مرز ایران و عمان) و تنگه مالاکا (مرز اندونزی و مالزی) دارد. آبراه‌های یاد شده، مسیر مهم در تجارت جهانی نفت نیز هست. این مسیرها نه تنها به عنوان منبع حیاتی از نظر راهبردی و اقتصادی برای بسیاری از کشورهاست بلکه نقش حساسی به عنوان شاهراه تجارت جهانی و تأمین انرژی بازی می‌کنند که اهم آن از طریق دریا حمل می‌شود. ۶۲ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان، ۳۵ درصد از گاز، ۴۰ درصد از طلا، ۶۰ درصد از اورانیوم و ۸۰ درصد از الماس در اقیانوس هند جای گرفته‌اند. همچنین، این حوزه، پیونددهنده سه قاره جهان، واحدهای فرهنگی، تمدن‌ها، محل تجارت و رقابت‌های نظامی و چالش‌های امنیتی است (ورلویس^۱، ۲۰۲۱) و (نیوما^۲، ۲۰۱۸).

در حوزه اقیانوس هند ۳۲ کشور وجود دارد که حدود ۶۶,۵۲۶ کیلومتر خط ساحلی دارند. منطقه اقیانوس هند^۳ معمولاً به عنوان دریای عرب، شرق آفریقا، جنوب آسیا، شرق آسیا، جنوب اقیانوس هند و استرالیا تعریف شده است. به غیر از این واقعیت که همه این دولت‌ها کشورهای در حال توسعه هستند، آن‌ها از لحاظ سطح توسعه، نظام‌های سیاسی، وضعیت امنیتی، جوامع مدنی، ارزش‌های فرهنگی و مذهب، متفاوتند. این اقیانوس همچنین دارای بنادر عمده در چنای^۴ (مدرس هند)، کلمبو (سریلانکا)، دوربان (آفریقای جنوبی)، جاکارتا (اندونزی)، کلکته (کلکته هند)، ملبورن (استرالیا)، بمبئی (بمبئی، هند) و ریچارد بای (آفریقای جنوبی) است. بسیاری از کشورها در این منطقه، میراث استعمارگرایی را به همراه دارند که دوره‌ای است که تحت تأثیر قدرت‌های استعماری اروپایی برای تصاحب منابع و کنترل قلمرو قرار گرفته‌اند (دیویس و بالز^۵، ۲۰۲۰: ۷-۴). این واقعیت تاریخی، ساختارهای سیاسی و اقتصادی بسیاری از دولت‌های بین‌المللی را تا پایان جنگ جهانی دوم شکل داد. از سال ۱۹۴۵ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، جنگ سرد و ظهور جنبش‌های استقلال ملی، نیروی سیاسی غالب در منطقه اقیانوس بود که منجر به توسعه سیاسی نامناسب در این منطقه شد. با این وجود، این کشورها به پنج منطقه تقسیم می‌شوند که دارای خصوصیات و منافع

1. Verluise
2. Numa
3. IOR (The Indian Ocean Region)

۴. مرکز ایالت تامیل نادو هند

5. Davis & Balls

مشترک هستند. این مناطق شامل: ۱. خلیج فارس و غرب آسیا؛ ۲. دریای سرخ و شاخ آفریقا؛ ۳. شرق آفریقا و زیر صحرا؛ ۴. جنوب آسیا؛ ۵. شرق آسیا هستند.

منطقه اقیانوس هند شامل انواع فرهنگ‌ها و افراد متفاوت است، از جوامع از مردم قبیله‌ای تا جوامع شهری و جوامع مدرن. گسترش وسیع جغرافیایی منطقه، همراه با طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های انسانی درون آن، این واقعیت را نشان می‌دهد که حوزه اقیانوس هند از لحاظ فرهنگی و تاریخی، یک منطقه مشترک فرهنگی را در بر نمی‌گیرد. فعالیت‌های انسانی در امتداد سواحل اقیانوس هند را می‌توان در طول منحنی از جنوب آفریقا تا جنوب غربی استرالیا مشاهده کرد. در کنار این نوار ساحلی، مردم برای حداقل ۵۰,۰۰۰ سال به سمت شرق و غرب سکنی گزیده‌اند تا سبب ترویج فرهنگ‌ها، نژادها، زبان‌ها، ادیان و تجارت کالاها شود. شرق آفریقا، غرب آسیا، شبه قاره (یا جنوب آسیا)، آسیای جنوب شرقی، جهان مالایی و استرالیا، هر یک از این حوزه‌ها پیوند زنجیره‌ای از فعالیت‌های انسانی را تشکیل می‌دهد (گوین^۱، ۲۰۲۱) و (دیویس و بالز، ۲۰۲۰: ۳-۲). ماهیت فعالیت‌های فرهنگی در هر منطقه متنوع و متفاوت است که به‌طور قابل ملاحظه‌ای با شرایط مختلف توپوگرافی و اقتصادی در امتداد حوضه اقیانوس هند پیوند خورده است.

بنیان‌های ژئوپلی‌نومیک اقیانوس هند

«رابرت دی. کاپلان^۲»، در مقاله‌ای با نام «صحنه کانونی برای قرن ۲۱: رقابت در اقیانوس هند» به اقیانوس هند همان شأن و جایگاهی را بخشید که سرهال‌فورد مکیندر، یک قرن قبل از او نسبت به اوراسیا قائل بود. بازگشت آسیا به مرکز توجهات جهانی به ویژه اقیانوس هند، خلیج فارس و شبه‌جزیره عرب، برگرفته از افزایش سهم آسیا از تجارت جهانی، رشد جمعیت و رونق بنیادگرایی اسلامی، پدیداری قدرت چین و تمرکز میادین انرژی در این قاره، کاپلان را بر آن داشت تا این ابرمنطقه را هارتلند قرن ۲۱ بنامد. فضا‌سازی‌های ژئوپولیتیک به سبک قرن بیستم، مناطق ژئوپولیتیک را بر اساس اهمیت آن مناطق در برخورداری از منابع انرژی، حجم بازارهای تجاری، پراکندگی نقاط استراتژیک و موارد مشابه آن تخمین می‌زند. این نوع شناسایی مناطق ژئوپولیتیک بدون توجه به ویژگی‌های جغرافیایی مانند همسانی‌های محیط فیزیکی، دل‌مشغولی‌های امنیتی مشترک و علاقه کشورهای هر یک از مناطق در همکاری با یکدیگر در راستای پیشبرد اهداف مشترک ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر، تعیین مناطق ژئوپولیتیک به سبک استعماری با خصوصیات

1. Goin
2. Robert D. Kaplan

نظامی و مزایای اقتصادی ناشی از به دست گرفتن کنترل آن‌ها پیوند خورده است (کاپلان، ۲۰۰۹: ۱۸-۶).

امروزه ۴۰ درصد از تجارت جهانی از تنگه مالاکا و ۳۹ درصد نفت خام تولیدی از تنگه هرمز عبور می‌کند. با این توجه که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ نیاز جهانی انرژی ۴۵ درصد افزایش یابد و نیمی از این مطالبه از سوی چین و هند انجام گیرد، عبور ۷۰ درصدی ترافیک تولیدات نفتی از اقیانوس هند شامل غرب آسیا و پاسیفیک ابعاد امنیتی خود را در رابطه با مدیریت انرژی جهان نشان می‌دهد (نیوما، ۲۰۱۸). برخی ناظران سیاسی منطقه اقیانوس هند را کمربند اقتصادی جاده ابریشم جدید در قرن ۲۱ نامیده‌اند که آسیا را به اروپا متصل می‌کند. جاده ابریشم دریایی از طریق تنگه مالاکا چین و شرق آسیا را به هند، غرب آسیا و شرق آفریقا متصل می‌کند و به عنوان یک پل لجستیک مدرن بین چین و بقیه جهان کار می‌کند (دیویس و بالز، ۲۰۲۰: ۱۱-۱۰). در دوران معاصر، اقیانوس هند نه تنها به خاطر قدرت‌های بزرگ اقتصادی و منافع نظامی، بلکه به علت شبکه سازمان یافته تروریسم جهانی، دزدی دریایی، قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و همچنین تکثیر تسلیحات میان گروه‌های شورشی، مهم است (کاپلان، ۲۰۰۹: ۱۸). امروزه، حدود ۹۰ درصد از تجارت جهانی و مسافرت‌های دریایی و همچنین حدود ۶۵ درصد از کل انتقال نفتی خلیج فارس به اروپا و آسیا از طریق اقیانوس هند عبور می‌کند. طبق آمار، ۲۱ میلیون بشکه نفت در روز از تنگه هرمز به سمت اقیانوس هند عبور می‌کند. نفت خلیج فارس حدود ۷۵ درصد نیازهای وارداتی آسیا را تامین می‌کند. اقتصاد ژاپن با تقریباً ۸۰ درصد از واردات نفت از طریق اقیانوس هند به خلیج فارس وابسته است، این در حالی که دو قدرت فزاینده آسیا، چین و هند، نیز به طور فزاینده‌ای به ترانزیت نفت منطقه وابسته هستند. در حال حاضر، بیش از ۸۹ درصد واردات هیدروکربن چین از اقیانوس هند می‌آید، در حالی که نفت خلیج فارس به زودی ۹۰ درصد از واردات هند را به خود اختصاص می‌دهد (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۴)، (نیوما، ۲۰۱۸) و (مانت^۱، ۲۰۲۱: ۴-۳ و ۹).

اقیانوس هند یک فضای جغرافیایی کلیدی است که انرژی، تجارت و امنیت را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، رشد اقتصادی و تجاری در هر دو جهان توسعه یافته و در حال توسعه به دسترسی بدون وقفه به ذخایر نفت و معدنی اقیانوس هند و ۸۰ درصد تجارت از این طریق بستگی دارد (کاپلان، ۲۰۰۹: ۱۶). وابستگی اقتصادهای صنعتی در منطقه خلیج فارس، حضور قدرت‌های

1. Manet

منطقه ای و فرماندهی همراه با کنترل، نظارت و شبکه اطلاعات را به همراه داشته است. براساس گفته ژانگ مینگ^۱، منطقه جنوب آسیا شبیه یک مثلث عظیم است که به قلب اقیانوس هند می‌رسد. این منطقه لینک ارتباطات و حمل و نقل نفت بین اقیانوس‌های اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس است و مهمترین نقطه استراتژیک است که در اقیانوس هند محافظت می‌کند. هر کسی که کنترل آن را به دست گیرد، سود و منفعت خواهد برد (هافس^۲، ۲۰۱۴: ۸).

در این ارتباط با توجه به منافع بی شمار اقتصادی کشورها در ترانزیت دریایی، کنترل گذرگاه‌هایی که کالاهای اقتصادی حیاتی از جمله مواد نفتی از آن‌ها عبور داده می‌شود، در اولویت اول کنترل توسط قدرت‌های دریایی جهان قرار دارند. گذرگاه‌های جهانی انتقال نفت از طریق دریا، بخش حیاتی از امنیت انرژی جهانی هستند. تنگه هرمز و تنگه مالاکا، راهبردی‌ترین گذرگاه‌های جهان از لحاظ حجم نفت انتقالی به شمار می‌روند. بستن یک گذرگاه حتی به طور موقت ممکن است منجر به افزایش قابل ملاحظه هزینه کل انرژی و قیمت‌های جهانی انرژی شود. این گذرگاه‌ها همچنین نفتکش‌ها را در معرض خطر دزدان دریایی، حملات تروریستی، تنش‌های سیاسی در قالب جنگ یا گروگان‌گیری و تصادف‌های احتمالی که موجب نشت فاجعه‌آمیز نفت می‌شود قرار می‌دهند. اختلال در این مسیرها می‌تواند بر قیمت نفت تأثیر گذاشته و خسارت عمده‌ای بابت افزایش قابل توجه طول مسیرهای انتقال وارد نماید. از منظر حجم نفت انتقالی تنگه هرمز (آبراه خروجی از خلیج فارس) و تنگه مالاکا (متصل‌کننده اقیانوس هند و آرام) راهبردی‌ترین گذرگاه‌های جهان به شمار می‌روند (جدول شماره ۱).

جدول ۱. حجم انتقال روزانه نفت از گذرگاه‌های دریایی جهان

(آمار بر حسب میلیون بشکه در روز تخمین زده شده است).

(U.S. Energy Information Administration, ۲۰۱۹)

مکان / سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۸
تنگه هرمز	۱۷	۱۶/۸	۱۶/۶	۱۶/۹	۱۸/۵	۱۸/۵	۲۰/۷
تنگه مالاکا	۱۴/۵	۱۵/۱	۱۵/۴	۱۵/۵	۱۵/۵	۱۶	۱۷
کانال سوئز و خط لوله سومد	۳/۸	۴/۵	۴/۶	۵/۲	۵/۴	۵/۵	۶/۵
باب المندب	۳/۳	۳/۶	۳/۸	۴/۳	۴/۷	۴/۸	۴/۹
تنگه‌های دانمارک	۳	۳/۳	۳/۱	۳	۳/۲	۳/۲	۳/۲

1. Zhang Ming

2. Hughes

مکان / سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۸
تنگه‌های ترکیه	۲/۹	۲/۷	۲/۶	۲/۶	۲/۴	۲/۴	۲/۴
کانال پاناما	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۹	۱	۰/۹	۰/۹
دماغه امیدنیک	۴/۷	۵/۴	۵/۱	۴/۹	۵/۱	۵/۸	۵/۸
تجارت جهانی دریای نفت	۵۵/۵	۵۶/۴	۵۶/۵	۵۶/۴	۵۸/۹	۶۱/۲	نامشخص
مجموع عرضه جهانی نفت	۸۸/۸	۹۰/۸	۹۱/۳	۹۳/۸	۹۶/۷	۹۷/۲	۹۹/۹

یافته‌های پژوهش

رقابت قدرت‌های جهانی در اقیانوس هند

از زمان آغاز استراتژی آب آبی^۱، اقیانوس هند تبدیل به یک عرصه مهم استراتژیک شده است و به لحاظ استراتژیک برای قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای تأمین صادرات نفت خام از خلیج فارس به کشورهای صنعتی و سایر نقاط جهان، ضروری است (کاپلان، ۲۰۰۹: ۱۴-۳). این منطقه، شبیه بزرگ‌راهی برای فعالیت‌های تجاری و همچنین نزاع‌های ژئوپولیتیک (مناطق برخورد) قدرت‌ها بوده است. در حال حاضر، مسئله امنیت دریایی منطقه اقیانوس هند و حفاظت از خطوط ارتباط دریایی^۲، تبدیل به موضوع مشترک همه قدرت‌های جهانی همانند آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و هند شده است که برای حفظ رشد اقتصادی نیاز به انرژی دارند. علاوه بر این، پایان جنگ سرد، اهمیت اقیانوس اطلس را کاهش داده و ارزش استراتژیک آسیا اقیانوس آرام و اقیانوس هند را برای همه نیروهای دریایی افزایش داده است. تا قبل از جنگ سرد، اقیانوس هند به‌عنوان یک منطقه استراتژیک عمدتاً نادیده گرفته و منزوی باقی مانده بود، اما جنگ سرد بر اهمیت استراتژیک اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس افزود. در آن زمان، رؤیای اتحاد جماهیر شوروی، دسترسی به آب‌های گرم اقیانوس هند بود (کردسمن و توکان^۳، ۲۰۱۴: ۲۵).

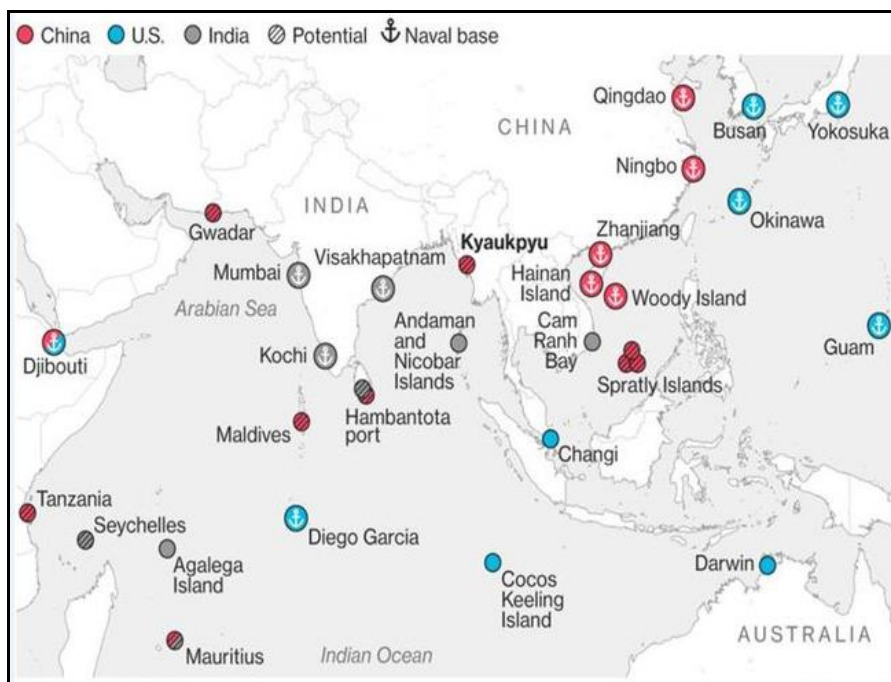
۱. استراتژی دریایی آب آبی (blue-water) به مفهوم برخورداری از یک سیاست و نیروی دریایی است که قادر است در سراسر جهان، عمدتاً در آب‌های عمیق اقیانوس‌های آزاد عمل کند. اصطلاح «دریایی آبی» یک اصطلاح ژئوپولیتیک است که در مقایسه با «آب‌های قهوه‌ای» (Brown-water) (مناطق کم عمق) و «آب‌های سبز» (Green-water) (مناطق ساحلی) بیان شده است.

2. SLOC

3. Cordesman & Toukan

ویژگی اصلی استراتژیک اقیانوس هند مربوط به مرکزیت سیاست جهانی انرژی در قرن بیست و یکم و قدرت‌های اقتصادی چین و هند و همچنین تلاش برای امنیت انرژی است (هولمس، وینر و یوشیهارا^۱، ۲۰۰۹: ۳۶). این وضعیت گفته فلیپ فرناندز آرمستو^۲ در اواخر قرن پانزدهم که «هر کسی که فرمانروای مالاکا است دست بر گلوی ونیز می‌گذارد و در این میان نیز هر رمز نطفه آن خواهد بود» را تأیید می‌کند. با این حال، تحولات سیاسی و نظامی در منطقه اثرات نامطلوبی دارد و می‌تواند جریان نفت، مواد خام یا کالاهای تجاری را در اقتصادهای بزرگ جهان تحت تأثیر قرار دهد (خوان هیپ و توان بین^۳، ۲۰۲۰: ۸۵). از سوی دیگر جغرافیای خاص اقیانوس هند که تقریباً در تمام جهات توسط تنگه‌های بین‌المللی مالاکا، کانال سوئز، دماغه امید نیک و تنگه هرمز محدود شده است می‌تواند برای غرب چالش‌های امنیتی دریایی را ایجاد نماید. همانطور که تحلیل‌گران دریایی اشاره کرده‌اند، اگر یک گزینه برای ارتباط استراتژیک وجود داشته باشد، در اقیانوس هند میان بزرگ‌ترین منابع نفت و اقتصادهای وابسته به صادرات و صادرات جهان قرار دارد. از آنجایی که انواع شناورهای موجود در این خطوط دریای باریک در برابر انواع حملات آسیب‌پذیر هستند، کنترل این تنگه‌ها، کلید تسلط بر اقیانوس هند است و هر کشوری که نیروی دریایی آبی خوبی دارد می‌تواند نقش مهمی در اقیانوس هند شمالی داشته باشد و می‌تواند بر مسیرهای نفتی و تجاری از غرب آسیا به اروپا و آسیا تأثیر بگذارد و از غرب آسیا به اروپا و آسیا نفوذ کند. همانطور که کاپلان استدلال می‌کند اقیانوس هند، جایی است که در قرن بیست و یکم، درگیری‌های جهانی به نمایش گذاشته خواهد شد (کاپلان، ۲۰۰۹: ۱۸). بنابراین اینکه اقیانوس هند می‌تواند از منظر ژئواستراتژیک نقش محوری داشته باشد، اغراق‌آمیز نیست چرا که این منطقه پتانسیل درگیری‌های قدرت بزرگ را دارد.

1. Holmes, Winner & Yoshihara
2. Felipe Fernández-Armesto
3. Hiep&Tuan Binh



شکل ۳. پایگاه‌های دریایی چین، آمریکا و هند در اقیانوس هند (توید و لئونگ، ۲۰۱۸)

– نفوذ و تقابل آمریکا، چین و هند در اقیانوس هند

از پایان جنگ سرد، اقیانوس هند به عنوان یک حوزه رقابتی شدید بین آمریکا، چین، ژاپن، هند و دیگر کشورهای پدیدار شد و این منطقه در دنیای اقتصاد بازار آزاد به عنوان مسیر ابریشم اقتصادی جدید عنوان شد، هر چند که هنوز وضعیت امنیتی این منطقه، به واسطه روابط نامطمئن میان بازیگران، در معرض خطای استراتژیک قرار دارد. بنابراین در دوران پس از جنگ سرد، اقیانوس هند یک منطقه حساس و مهم جهانی است که به دلیل ارزش استراتژیک، اقتصادی و تجاری، سیاست بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است. بیش از همیشه، منافع آمریکا، هند و چین به طور همزمان در اقیانوس هند و سواحل آن برخورد می‌کنند. هر کدام از بازیگران کلیدی در جهت منافع ملی خود گام بر می‌دارند.

روش آمریکا در برخورد با چین در اقیانوس هند، شبیه روشی است که با اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد رفتار کرد. بخشی از کشورهای منطقه آسیا-اقیانوسیه (ژاپن، استرالیا،

فیلیپین، سنگاپور، کره جنوبی و نیوزلند) از افزایش قدرت چین نگران هستند و معتقدند بدون حمایت آمریکا نمی‌توانند مانع از دستیابی چین به هژمونی منطقه‌ای شوند. از این رو، دنبال راه‌هایی برای مقابله با این تهدید هستند (گوین، ۲۰۲۱). به همین ترتیب، هند و آمریکا در دهه گذشته به دلیل ترس از چین، دوستان خوبی شده‌اند. همچنان که «والتر راسل مید»^۱ می‌گوید، پس از پایان جنگ سرد چین، ایران و روسیه مصمم هستند که نظم جهانی به رهبری آمریکا را خنثی کنند. او استدلال می‌کند که این کشورها برای حوزه‌های نفوذ آمریکا، تهدیدی مهمی هستند. آمریکا باید درباره خوش‌بینی خود تجدیدنظر کند، از جمله باور پس از جنگ سرد که کشورهای غربی را می‌توان متقاعد کرد که به غرب بپیوندند و با قوانین او بازی کنند. همچنین از نظر «مید»، زمان رویارویی با تهدیدات این دشمنان ژئوپولیتیک خطرناک فرارسیده است (مید، ۲۰۱۴: ۴۶-۲۳). به همین ترتیب، مادلین آلبرایت^۲، وزیر سابق امور خارجه آمریکا، مدعی شده بود که آمریکا، در نتیجه مسئولیت پلیسی خود در جهان [واژه پلیس توجیهی برای حضور آمریکا در مناطق مختلف است]، ناگزیر است، با تهدیدات مقابله کند (میرشیمر^۳، ۲۰۱۱: ۱۹). این به معنای آن است که آمریکا احتمالاً به مدت طولانی برای جلوگیری از تبدیل شدن چین به قدرت برتر در آسیا - اقیانوسیه و جنوب آسیا وارد عمل خواهد شد. آمریکا از نظر توانمندی‌های نظامی، تقریباً به اندازه بیش از نصف کشورهای جهان پول خرج می‌کند و بیشتر سیاست‌های خود را از مسیر نظامی دنبال می‌کند. در حال حاضر عمده توانمندی‌های نظامی خارجی آمریکا در منطقه آسیا پاسفیک قرار دارد. علاوه بر این، بسیاری از استراتژیست‌های آمریکایی عقیده دارند، که توان نظامی واشنگتن پیش‌دستانه است، در حالی که ارتش چین در موقعیت دفاعی است. با این حال، چینی‌ها بر این موضوع واقفند که آمریکا در صورت ضعف چین ضعیف نقش اصلی را در منطقه بازی خواهند کرد (کردسمن و توکان، ۲۰۱۴: ۳۰).

در خصوص رابطه آمریکا و چین باید اشاره کرد که رقابت این دو قدرت، همیشه پایدار و شدید بوده است زیرا از تفاوت‌های ایدئولوژیکی شدید بین دو طرف و همچنین ملاحظات ژئوپولیتیک نشأت می‌گیرد. در این زمینه، تفاوت‌های ایدئولوژیکی مشخصی بین چین و آمریکا وجود دارد؛ با این حال، هر دو نمی‌خواهند بر روابط آن‌ها تأثیر عمیق بگذارند. به طور خاص، چین اقتصاد مبتنی بر بازار را در آغوش گرفته است و نسخه فعلی سرمایه‌داری دولتی را به عنوان یک

1. Walter Russel Mead
2. Madeleine Albright
3. Mearsheimer

مدل صادراتی در جهان نمی بیند. به علاوه، چین عمیقاً در اقتصاد جهان ادغام شده است و فعالانه با کشورهای غربی برای منافع اقتصادی که برای صلح طولانی مدت مناسب است، خود را درگیر کرده است (جی^۱، ۲۰۲۰: ۱۸۵-۱۸۴).

آمریکا تمایل بیشتری به صدور ایدئولوژی خود به دیگران نشان می دهد، اما این جاه طلبی ها با توجه به شکست در افغانستان و عراق بر رقابت آینده بین پکن و واشنگتن تأثیر می گذارد و رقابت ایدئولوژیک میان آن ها کم رنگ تر خواهد بود. در واقع، ثبات آینده اقیانوس هند به ماهیت روابط آمریکا و چین بستگی دارد؛ زیرا هر دو منافع اقتصادی و استراتژیک در آسیا-اقیانوسیه و اقیانوس هند دارند. برای چین، آمریکا و نیز هند یک رفتار استراتژیک قدیمی برای نفوذ و حضور در کشورهای ساحلی اقیانوس هند وجود دارد (مریر دی یُنینویل^۲، ۲۰۱۹: ۸-۴).

چین با چالش جغرافیایی در تأمین خطوط دریایی مواجه است که پیامدهای زیادی برای کشورهای آسیا و اقیانوس آرام دارد. به طور خاص، سه کانال دریایی وجود دارد که دریای جنوبی چین و اقیانوس هند را متصل می کنند. به این معنی است که چین باید حداقل به یکی از این قسمت ها دسترسی داشته باشد تا بتواند خطوط دریایی خود را به واسطه وابستگی به نفت خلیج فارس کنترل کند. این وضعیت به طور قطع نشان می دهد که آمریکا و چین حضور نظامی قابل توجهی را در آب های آسیا-اقیانوس آرام و اقیانوس هند خواهند داشت. آمریکا نگران افزایش قدرت نظامی چین است و پکن نیز عمیقاً نگران متحدان آمریکا در منطقه آسیا-اقیانوس آرام و توانایی های پیش بینی قدرت خود است؛ بنابراین، تلاش خواهد کرد تا توانایی هایی خود را برای محافظت از خطوط حمل و نقل چین در اقیانوس هند افزایش دهد. آمریکا هم به عنوان یک قدرت جهانی همچنان برای محافظت از منافع استراتژیک و اقتصادی خود و متحدان تلاش خواهد کرد (کردسمن و توکان، ۲۰۱۴: ۳۰).

این نحوه برخورد اقیانوس هند را در مقام منطقه ژئواستراتژیک نوین سده بیست و یکم به همان سرنوشتی دچار می سازد که طی جنگ سرد در عمل تبدیل شد. در آن دوران رقابت های تسلیحاتی و تقسیم این منطقه به مناطق منازعه، جغرافیای اقیانوس هند را به جغرافیای نظامی تغییر شکل داده بود. از نتایج نظامی شدن بی سابقه اقیانوس هند در طول حیات نظام دو قطبی، سرکوب بحران های مانند جنگل زدایی های مرگبار در اندونزی و سریلانکا، تغییرات آب و هوایی، گسترش ایدز در نوار کرانه ای آفریقا، تشدید درگیری های قومی در کشمیر و به تعویق افتادن پدیداری

1. Jie
2. Marrier D'unienville

گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر پایه مشارکت در تامین امنیت، بهبود مناسبات اقتصادی و همیاری‌های انسانی بود. با این وجود که پس از پایان جنگ سرد و آغاز دوران جدید سیاسی-اقتصادی در اقیانوس هند «اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند»^۱ با عضویت ۱۹ کشور تاسیس شد اما گسترش و تنوع مناطق موجود در این حوزه وسیع، شکل‌گیری گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نظامی و اقتصادی را به تعویق انداخته است (هانگ و سیوان، ۲۰۱۸: ۱۵۶-۱۵۳).

جدایی اقیانوس هند در نظر قدرت‌های غربی که تاریخ طولانی در دخالت و کنترل تاریخی این ناحیه دارند، بر اهمیت مشارکت کشورهای حاشیه اقیانوس در قالب گروه‌بندی جدیدی که قادر به حفظ امنیت ویژه خود بدون دخالت قدرت‌های بزرگ باشد، می‌افزاید. برای نمونه، گسترش تسلیحات اتمی و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای چین، هند و ایران در امتداد حوزه اقیانوس هند می‌تواند جنبه ژئواستراتژیک این حوزه را از نو زنده کند و اقیانوس هند را به مناطق رقیب تقسیم کند. در دورانی قرار داریم که طومار ژئوپولیتیک جدید در حال نگارش است. در راه جلوگیری از این پدیده، تعبیر تازه‌ای از ژئوپولیتیک اقیانوس هند ضروری است؛ تعبیری که بر واقعیات پنهان اما اثربخش آن چون بحران‌های زیست محیطی، آلودگی هوا، فرسایش خاک و انفجار جمعیت اصرار کند و این برنمی‌آید مگر از طریق درک تازه کشورهای حاشیه اقیانوس هند نسبت به جایگاه جهانی این ابرمنطقه (گوین، ۲۰۲۱).

راهبرد قدرت‌های جهانی در اقیانوس هند

هرگونه ارزیابی از منطقه اقیانوس هند باید تمرکز اصلی خود را بر مسائل مهم استراتژیک قرار دهد. چهار مسئله مهم استراتژیک در کل این منطقه وجود دارد و تأثیر جهانی دارند:

۱. ثبات و امنیت صادرات نفت خلیج فارس؛
۲. ظهور قدرت هند به‌عنوان یک قدرت جهانی؛
۳. تعارضات احتمالی و همچنین خطر درگیری هسته‌ای بین هند و پاکستان؛
۴. امنیت ترافیک دریایی و تجارت در منطقه (مریر دی‌ئینویل، ۲۰۱۹: ۷-۲).

۱. اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای حاشیه اقیانوس هند (به انگلیسی: Indian Ocean Rim-Association for Regional Cooperation یا IOR-ARC) اساساً به عنوان ابتکار حاشیه اقیانوس هند شناخته می‌شد، یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۷ با ابتکار هند و موریتس آغاز به کار کرد. اتحادیه همکاری‌های حاشیه اقیانوس هند دارای ۱۹ کشور عضو از سه قاره آسیا، آفریقا و اقیانوسیه می‌باشد که بیش از ۲ میلیارد نفر جمعیت جهان و ۲۰/۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد.

سایر منافع استراتژیک کلیدی که کشورهای شرق آسیا، اروپا، آمریکا و دیگر نیروهای خارجی در حوزه اقیانوس هند دارند نیز تأثیرات ملی و منطقه‌ای دارد. این منافع عبارتند از: همکاری تجاری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تمرکز بر نقش این منطقه به‌عنوان منبع مواد اولیه که بر اقتصادهای واردکننده تأثیر می‌گذارد. در عین حال، دولت‌ها در داخل و خارج از منطقه علاقمند هستند، منازعات محلی، اختلافات فراملی و افراط‌گرایی و تروریسم را محدود کنند (کردسمن و توکان، ۲۰۱۴: ۳۳).

به دلیل بحران رو به رشد منطقه و همچنین دلایل اقتصادی و ژئواستراتژیک، قدرت‌های بزرگ علاقه‌مند به همکاری با کشورهای حوزه اقیانوس هند هستند. این مجموعه‌ای از توافقنامه‌های پایه‌ای بین کشورهای حوزه اقیانوس هند، چین، آمریکا و هند را تشکیل داده است. حوزه اقیانوس هند سابقه‌ای طولانی از نفوذ منطقه‌ای داشته است. برخی از بقایای باقی‌مانده از این نفوذهای فرامنطقه‌ای، که در اطراف سواحل اقیانوس هند مشهود است. در کنار کشورهای حوزه اقیانوس هند، تمام قدرت‌های عمده صنعتی و تأمین‌کنندگان انرژی، منافع ذاتی را در امنیت و ثبات اقیانوس هند دارند.

موضوع مهم این است که هرگونه حضور امنیتی فرامنطقه‌ای در حالی که به ظاهر قصد تضمین امنیت منطقه‌ای و همچنین منافع امنیتی خود را دارد، توسط اکثر کشورها به‌عنوان منبع ناامنی درک می‌شود. از این منظر، دولت‌های منطقه‌ای و خارجی در فرآیند رقابت برای نفوذ و منابع دیده می‌شوند (سولومون^۱، ۲۰۱۳). با این حال باید اذعان کرد که آمریکا و چین و همچنین سایر کشورهای فرامنطقه‌ای، منافع امنیتی منطقه‌ای خود را دارند (جدول ۲).

1. Solomon

جدول ۲. پایگاه‌ها (مراکز) استقرار چین، آمریکا و هند در حوزه اقیانوس هند (پرلمن^۱، ۲۰۱۸) و (گوین، ۲۰۲۱).

مرواریدها چینی ^۲	الماس‌های آمریکا ^۳	صدف‌های هند ^۴
بنگلادش	داروین (استرالیا)	جزایر آندامان ^۵
برمه	بحرین	موریس
پاکستان	دیوگوگارسیا	مالدیو
سريلانكا	جیبوتی	سشیل
مالدیو	مصر	
	اندونزی	
	کنیا	
	کویت	
	عمان	
	قطر	
	سنگاپور	
	امارات	
	مالدیو	

حوزه اقیانوس هند را به می‌توان به‌عنوان یک «صحنه رقابت» در نظر گرفت که آمریکا، چین و هند، به رقابت می‌پردازند. در این صحنه، توزیع جغرافیایی جالبی از «مرواریدها» چینی، «الماس‌های» آمریکا و «صدف‌های» هندی وجود دارد که عمدتاً منعکس‌کننده نگرانی‌های مربوط به امنیت انرژی و دسترسی ایمن خطوط ارتباطی دریایی^۶ است. چین در قالب یک «رشته مروارید» در چهار منطقه شمالی اقیانوس هند؛ چیتاگان^۷ در بنگلادش، گوادر در پاکستان، هامبانتوتا^۸ در سريلانكا و سیتوی^۹ در برمه حضور دارد (مریر

1. Perelman
2. Chinese pearls
3. USA diamonds
4. Indian nuggets

۵. جزایر آندامان گروهی از جزایر واقع در اقیانوس هند هستند که بین خلیج بنگال و میانمار قرار گرفته است.

6. Sea lines of communication (SLOC)
7. Chittagong
8. Hambantota
9. Sittwe

دی یُنینویل، ۲۰۱۹: ۶). علاوه بر این، بر اساس گزارش وزارت دفاع آمریکا، این کشور در ۱۲ منطقه اقیانوس هند، دیگو گارسیا، ۵ پایگاه در خلیج فارس (بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی)، سه پایگاه در آفریقا (مصر، جیبوتی و کنیا) و ۳ پایگاه در آفریقا، اندونزی و سنگاپور حضور دارد. هند هم در جزایر آندامان، موریس و مالدیو حضور دارد. در کنار این موارد تعدادی از آنچه که ممکن است «فضاهای اعتراض برانگیز و چالش آفرین» نامیده شوند، باقی مانده است که هنوز هم تحت تأثیر دولت‌های قدرتمند خارجی باقی مانده‌اند. این‌ها شامل دولت‌های شکست خورده سومالی و یمن و بسیاری از کشورهای آفریقایی است (مریر دی یُنینویل، ۲۰۱۹: ۷-۲).

تحلیلگرانی همچون آلیسون^۱ معتقد هستند با تلاش دولت باراک اوباما برای خروج از پیمان شراکت ترنس-پسیفیک^۲ و تحقق آن در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ، آزادی عمل چین در منطقه اقیانوس هند-آرام بیشتر شد که در پی این امر، سایر قدرت‌های جهان در طی چند سال گذشته در صدد ترسیم راهبرد ملی خود در این پهنه آبی بوده‌اند (آلیسون، ۲۰۱۹: ۲۵-۲۰). از سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۲۱، ۱۰ قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (به جز چین) به همراه اتحادیه اروپا راهبردهای ملی و خود در اقیانوس هند را منتشر کرده‌اند که جدول شماره ۳ بیانگر این مطلب می‌باشد.

جدول ۳. راهبرد ملی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در اقیانوس هند-آرام (گوین، ۲۰۲۱).

نام کشور	سال انتشار	نام سند	هدف کلی سند
آلمان	۲۰۲۰	دستورالعمل‌های هند و اقیانوسیه	ایجاد یک فضای باز و آزاد برای همکاری با چین
استرالیا	۲۰۱۷	اقیانوس هند-آرام با ثبات و مرفه	مقابله با نفوذ چین، ایجاد ثبات و امنیت
کانادا	۲۰۲۰	کانادا و هند و اقیانوسیه: «متنوع» «آزاد» و «باز»	ایجاد ثبات و امنیت برای همکاری با چین
آمریکا	۲۰۱۹	گزارش راهبرد ملی در اقیانوس هند-آرام	مقابله با نفوذ چین، گسترش نفوذ خود و ایجاد ثبات و امنیت
فرانسه	۲۰۱۹	راهبرد دفاعی فرانسه در	ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری با

1. Allison
2. Trans-Pacific Partnership

نام کشور	سال انتشار	نام سند	هدف کلی سند
		اقیانوس هند-آرام	چین، ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و یکپارچه سازی سرزمین‌های برون مرزی خود در این منطقه
هند	۲۰۱۸	چشم‌انداز هند در اقیانوس هند-آرام	مقابله با نفوذ چین، افزایش نفوذ خود در این منطقه و ایجاد ثبات و امنیت
ژاپن	۲۰۲۰	راهبرد یک هند-آرام آزاد و باز	مقابله با نفوذ چین و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه
نیوزلند	۲۰۱۸	سیاست بازنشانی اقیانوس آرام	ایجاد فضایی با ثبات و مرفه، حفظ نفوذ خود بر کشورهای کوچک اقیانوس آرام
هلند	۲۰۲۰	هند-آرام: دستورالعمل تقویت همکاری هلند و اتحادیه اروپا با شرکای آسیایی	ایجاد فضای آزاد و باز برای همکاری با چین و مشارکت در استراتژی جهانی اتحادیه اروپا در اقیانوس هند-آرام
انگلیس	۲۰۲۱	چارچوب تمایل به اقیانوس هند-آرام	مقابله با نفوذ چین و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه
اتحادیه اروپا	۲۰۲۱	استراتژی اتحادیه اروپا برای همکاری در منطقه هند و اقیانوس آرام	ایجاد فضای آزاد و باز برای همکاری با چین، ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و تأمین منابع اتحادیه اروپا

چالش‌ها و تهدیدات امنیتی در حوزه اقیانوس هند

با بررسی راهبرد کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حاضر در اقیانوس هند، این پهنه آبی با توجه به چالش‌های متعددی که به‌عنوان تهدیدهای ژئوپلیتیکی و راهبردی برای حفاظت از منافع کشورهای مربوطه تلقی می‌شوند، چالش‌های امنیتی بزرگی را ایجاد می‌کند. در همین ارتباط، اولین تهدید توسط بازیگران غیردولتی، شامل فعالیت‌های غیرقانونی، مانند قاچاق مواد مخدر، ماهی‌گیری غیرقانونی یا دزدی دریایی (به‌ویژه در تنگه مالاکا) است. تهدید دوم، ناشی از رقابت بین کشورهای مختلف برای تصاحب آب‌های سرزمینی است که در پی این امر کشورهای حاشیه این اقیانوس با توسعه مناطق انحصاری اقتصادی خود درصدد دستیابی بیشتر به معادن دریایی هستند. در همین راستا، اشاره می‌شود که در بین بیست کشور برتر دارای منطقه انحصاری اقتصادی

در سطح دنیا، فقط سه کشور برزیل، دانمارک و نروژ در اقیانوس هند منطقه انحصاری اقتصادی ندارند، بنابراین هفده کشور دیگر در این پهنه آبی دارای این مزیت می باشند. همچنین، در خصوص تهدید دوم، می توان به رای دادگاه لاهه در سال ۲۰۱۶ اشاره داشت که تأکید کرده چین هیچ گونه حقوق تاریخی در دریایی جنوبی چین ندارد و از سویی دیگر چین همچنان بر مالکیت ۹۰ درصدی بر این منطقه ی آبی تأکید دارد؛ در همین ارتباط، در طی چند سال گذشته صدور این رای دادگاه لاهه موجب تنش بین چین و کشورهای منطقه به ویژه فلیپین شده است (گوین، ۲۰۲۱).

بنابراین، تنش ها و رقابت های موجود بین قدرت های حاضر در اقیانوس هند موجب شده تا این منطقه شکل امنیتی جدیدی گرفته باشد. بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، در این پهنه آبی سیستمی از اتحادها ایجاد شد که معمولاً شامل ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، نیوزیلند و آمریکا بوده است، اما امروزه این اتحادها با مخالفت کشورهای با گسترش اقتصادی چین و ادعای چین در دریای جنوبی تقویت شده است که در این زمینه می توان به تشکیل گروه آنزاس، کواد و آکوس^۱ اشاره داشت. در بین این سه گروه، کواد امنیتی ترین ساختار را در اقیانوس هند دارا می باشد. بر اساس اهداف این گروه، آمریکا علاوه بر تقویت توانمندی های امنیتی - نظامی خود در این پهنه آبی، هند، ژاپن و استرالیا را به عنوان شرکای منطقه ای برای مقابله با جاه طلبی های چین متحد کرده است (نیکت^۲، ۲۰۲۱: ۴-۲).

- تأثیر پذیری امنیت ملی از رقابت قدرت های جهانی در اقیانوس هند

تحولات و تنش های راهبردی و امنیتی در حوزه اقیانوس هند، تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر امنیت ملی خواهد داشت. این تحولات و تأثیرگذاری آن شامل موارد زیر است:

۱. عمق راهبردی کشور در حوزه دریا در اقیانوس هند تعریف شده است. از این جهت حضور و استقرار قدرت های جهانی در این حوزه چه به صورت شناوری و چه به صورت ایجاد پایگاه های ثابت، امنیت دریایی کشور را حوزه تجارت دریایی، بازدارندگی دفاعی و دستیابی به منابع پایدار متأثر خواهد کرد.

1. ANZUS, QUAD, AUKUS
2. Niquet

۲. بی‌ثباتی کشورهای صادرکننده نفت از جمله خطر یک جنگ داخلی جدید در عراق یا خطرات ناشی از رقابت تسلیحاتی بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، خطری است که می‌تواند شامل یک مسابقه هسته‌ای آینده باشد.
۳. وجود بسترهای درگیری نظامی در منطقه که می‌تواند بر جریان نفت به شرق از طریق تنگه هرمز، باب المندب و تنگه مالاکا تأثیرگذار باشد و به تبع آن مسیر انتقال انرژی و حمل‌ونقل دریایی را متأثر خواهد کرد.
۴. درگیری هند- پاکستان که می‌تواند شامل یک درگیری جدی هوایی یا حتی تشدید جنگ هسته‌ای شود. هند و پاکستان به واسطه اختلافات بر سر کشمیر و تروریسم و رقابت بر سر قدرت نیروهای دریایی خود در اقیانوس هند همواره از پتانسل تنش برخوردارند. اگرچه، احتمال خطر درگیری جدید هند- پاکستان محدود است، اما واقعی، و یکی از معدود درگیری‌های منطقه‌ای که می‌تواند به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای یا درگیری‌های جدی دریایی تبدیل شود و به دنبال آن مرزهای دریایی و زمینی ایران نیز متأثر خواهد شد.
۵. کشمکش و تنش‌ها میان رقبای منطقه‌ای هند و چین در شمال اقیانوس هند از دیگر موضوعات راهبردی در این منطقه است. در حال حاضر چین در حال افزایش فعالیت دریایی خود در حوزه اقیانوس هند است و نقش اصلی را در ارتقا بندر پاکستان در گوادر ایفا می‌کند که با بندر چابهار ایران در رقابت است.
۶. تشدید رقابت میان آمریکا و چین از دیگر تحولات مهم حوزه اقیانوس هند است. آمریکا و چین هم‌چنان باید آینده خود را بین همکاری و رقابت تعیین کنند. از این رو، خطر درگیری طولانی مدت یا رویارویی واقعی در اقیانوس هند و نیز در اقیانوس آرام، همچنان باقی می‌ماند. آمریکایی‌ها و چینی‌ها به‌طور مداوم در حال توسعه و نوسازی نیروی دریایی خود هستند تا قدرت دریایی خود را توسعه دهند و حضور خود را در اقیانوس‌های هند و آرام افزایش دهند.
۷. درگیری احتمالی در خلیج فارس همواره یکی از چالش‌های حوزه اقیانوس هند است. این درگیری می‌تواند به دریای عمان و تنگه‌های راهبردی در اقیانوس هند هم‌گسترش یابد. درگیری‌ها بین نیروهای دریایی در سمت شرقی اقیانوس هند می‌تواند ترافیک حمل‌ونقل را در تنگه هرمز، باب المندب و تنگه مالاکا تحت تأثیر قرار دهد.

۸. خطر دزدی دریایی در تنگه باب المندب از دیگر چالش‌های اقیانوس هند است. اگرچه سطح دزدی دریایی با استقرار نیروی‌های بین‌المللی برای مقابله با دزدان دریایی در نزدیکی سومالی و در نزدیکی ورودی دریای سرخ به شدت کاهش یافته است، اما همچنان امکان دزدی دریایی در نزدیکی سومالی وجود دارد و اگر بی‌ثباتی دولت منجر به جنگ داخلی شود می‌تواند گسترش هم یابد. در تنگه مالاکا تهدید از این نوع در سطح پایین است.
۹. خطر تروریسم نیز همچنان وجود دارد. بعید است که در کوتاه مدت، پدیده تروریسم از بین رفتنی باشد. این پدیده که از عوامل بسترسازی چون زمینه‌های ایدئولوژیکی، اختلافات قومی - مذهبی، تعارضات ملی و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای نشأت می‌گیرد، همچنان جزئی از مسائل استراتژیک این منطقه از جهان خواهد بود.
۱۰. مبارزه برای آینده اسلام و تغییر شکل میان حکومت‌های مذهبی و سکولار از دیگر موضوعات راهبردی حوزه اقیانوس هند و منطقه غرب آسیا است. ترکیب فزاینده ناآرامی‌های سیاسی و اقتصادی در بسیاری از کشورها، بین احزاب و گروه‌های مختلف کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سایر درگیری‌های قومی، فرقه‌ای، قبیله‌ای و منطقه‌ای نیز به تهدید بالقوه در بسیاری از کشورها اضافه شده است.
۱۱. منازعات و اختلافات ارضی و نیز اختلافات بر سر منابع دریایی از دیگر چالش‌های این منطقه است. اختلافات سرزمینی متعددی میان کشورهای مختلف وجود دارد که اگر این اختلافات به تنش تبدیل شود، بر فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارند. همچنین اکتشافات عظیم از لحاظ نفت و معدنی در زیر بستر دریا نیز می‌تواند زمینه‌ساز چالشی اساسی گردد.

نتیجه‌گیری

تحول ژئوپلیتیک سنتی به ژئوپلی‌نومیک را می‌توان یکی از مهمترین نشانه‌های تغییر فضا و محیط تعامل و تقابل قدرت‌های جهانی در نظام بین‌الملل در قرن ۲۱ میلادی به‌شمار آورد. این تغییر سبب تشدید رقابت در مسیرهای ترانزیتی به‌ویژه کریدورهای انرژی، بنادر و تجارت بین قاره‌ای گردیده و از این رو، قدرت‌های بزرگ درصدد کنترل خطوط مواصلاتی دریایی جهان برآمده‌اند. در این میان، مسلماً با توجه به ویژگی اصلی استراتژیک اقیانوس هند در مرکزیت

سیاست جهانی انرژی در قرن بیست و یکم و نقش مهم قدرت‌های اقتصادی چین و هند در این منطقه و تلاش آنان در تامین امنیت انرژی‌شان، رقابت و نفوذ این کشورها و سایر قدرت‌های جهانی به اهمیت ژئوپلی‌نومی اقیانوس هند افزوده است. این اقیانوس که از زمان آغاز استراتژی آب‌آبی، تبدیل به یک عرصه مهم استراتژیک شده است به لحاظ استراتژیک برای قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای تامین صادرات نفت خام از خلیج فارس به کشورهای صنعتی و سایر نقاط جهان، ضروری می‌باشد. امنیت دریایی منطقه اقیانوس هند و حفاظت از خطوط ارتباط دریایی در حال حاضر تبدیل به موضوع مشترک همه قدرت‌های جهانی همانند آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و هند شده است که برای حفظ رشد اقتصادی نیاز به انرژی دارند. بنابراین حوزه اقیانوس هند را به می‌توان به‌عنوان یک «صحنه رقابت» در نظر گرفت که رقابت بیشتر میان، آمریکا، چین و هند، است. در این صحنه، توزیع جغرافیایی جالبی از «مرواریدها چینی»، «الماس‌های آمریکا» و «صدف‌های هندی» وجود دارد که عمده‌تاً منعکس‌کننده نگرانی‌های مربوط به امنیت انرژی و دسترسی ایمن خطوط ارتباطی دریایی است.

ثبات و امنیت صادرات نفت خلیج فارس، ظهور قدرت هند به‌عنوان یک قدرت جهانی، تعارضات احتمالی و همچنین خطر درگیری هسته‌ای بین هند و پاکستان، امنیت ترافیک دریایی و تجارت در منطقه، رقابت چین و آمریکا، خطر دزدی دریایی، احتمال برخورد و درگیری دریایی در خلیج فارس، مبارزه برای آینده اسلام و تغییر شکل میان حکومت‌های مذهبی و سکولار، منازعات و اختلافات مرزی و تنش‌ها بر سر منابع بستر و زیر بستر دریا از مسائل و موضوعات مهم در حوزه استراتژیک اقیانوس هند است. سایر منافع استراتژیک کلیدی نیز که کشورهای شرق آسیا، اروپا، آمریکا و دیگر نیروهای خارجی در حوزه اقیانوس هند دارند، تأثیرات ملی و منطقه‌ای دارد. این منافع عبارتند از همکاری تجاری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تمرکز بر نقش این منطقه به‌عنوان تامین‌کننده منبع مواد اولیه که می‌تواند بر اقتصادهای واردکننده تأثیرگذار باشد. بر این اساس، اقیانوس هند را با توجه به جایگاه کلیدی آن در کریدورهای انرژی و جاده‌های ابریشم جدید و به‌ویژه در ابتکار یک کمربند- یک جاده، عملاً می‌توان نقطه تلاقی رقابت قدرت‌های جهانی در بستر ژئوپلی‌نومیک جدید دانست.

به‌طور مشخص، تمرکز و توجه بیشتر به حوضه اقیانوس هند از سوی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به دلایلی همچون بهره‌مندی از ظرفیت‌های عظیم اقتصادی و تجاری، امکان سیادت و کنترل دریایی آبراه‌های استراتژیک جهانی روز به روز بیشتر خواهد شد. از این جهت امنیت ملی در حوزه‌های بازدارندگی دفاعی؛ عمق استراتژیک کشور در دریا، امنیت دریایی و حمل و نقل

نشریه علمی آفاق امنیت

دریایی و نیز اعتبار منطقه‌ای و بین‌المللی کشور را متأثر خواهد کرد. پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری و کاستن از آثار نامطلوب حضور قدرت‌های جهان در پیرامون کشور در حوزه دریا، ائتلافی از کشورهای منطقه اقیانوس هند با مشارکت قوی ایران، پاکستان و هند و بدون حضور بیگانگان در حوزه تأمین امنیت دریانوردی ایجاد شود.

فهرست منابع

- برژینسکی، زیگنیو، (۱۳۸۶)، **انتخاب: سلطه یا رهبری**، مترجم: امیر حسین نوروزی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- پیشگاهی فرد، زهرا و نورعلی، حسن (۱۴۰۰)، بررسی نظریه‌های مورد غفلت قرار گرفته در ادبیات ژئوپلیتیک ایران، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۵۳، شماره ۴، ۱۳۵۳-۱۳۷۴.
- جمشیدی، سعید؛ دهشیری، محمدرضا؛ کشیشیان، گارینه و شفیع، نوذر (۱۴۰۰)، سیاست خارجی و امنیتی دونالد ترامپ در منطقه‌ی هندوپاسیفیک و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه آفاق امنیت**، ۱۳(۴۷)، ۱۴۹-۱۷۷.
- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۳)، **فلسفه جغرافیای سیاسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی.
- زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی و محمدی، کیمیا (۱۳۹۴)، **خلیج فارس و رقابت قدرت‌های بزرگ. مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس**، ۲(۶)، ۷۵-۱۰۴.
- صفوی، سیدحمزه و بیژنی، مهدی (۱۳۹۵)، ریشه‌های ژئوپلیتیک تهاجم نظامی عربستان سعودی به یمن. **فصلنامه آفاق امنیت**، ۹(۳۰)، ۱۴۵-۱۷۲.
- کاویانی‌راد، مراد و تهامی، مرتضی (۱۳۹۲)، نسبت ادراک محیطی با آموزه‌های دینی مطالعه موردی گات‌های اوستا. **فصلنامه جغرافیا**، ۱۱(۳۸)، ۲۵۹-۲۴۳.
- Allison, Graham (2019). **Vers la guerre : l'Amérique et la Chine dans le piège de Thucydide**, Paris: éd. Odile Jacob.
- Cordesman, Anthony & Toukan, Abdullah (2014). **The Indian Ocean Region: A Strategic Net Assessment**, **Center for Strategic and International Studies (CSIS)**, Available at: https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/140725_Indian_Ocean_Region.pdf
- Davis, Alexander & Balls, Jonathan (2020). **The Indian Ocean Region in the 21st Century: geopolitical, economic, and environmental ties**, **the Australia India Institute**. Available at: <https://www.aii.unimelb.edu.au/wp-content/uploads/2020/03/INDIAN-OCEAN-REPORT.pdf>
- EIA (2019). **World Oil Transit Chokepoints**, **U.S. Energy Information Administration**, Available at: https://www.eia.gov/international/analysis/special-topics/World_Oil_Transit_Chokepoints
- Goin, Vaimiti (2021). **L'espace indopacifique, un concept géopolitique à géométrie variable face aux rivalités de puissance**, **Géoconfluences**, Retrouver sur: <http://geoconfluences.ens-lyon.fr/informations-scientifiques/dossiers-thematiques/oceans-et-mondialisation/articles-scientifiques/espace-indopacifique-geopolitique> **(In French)**
- Holmes, James R; Winner, Andrew C & Yoshihara, Toshi, (2009) **Indian Naval Strategy in the Twenty-First Century**, London: Routledge.

- Hong, Wei & Ciyuan, Li (2018). Indian Ocean Rim Association: New Developments and Cina's Engagement, **China International Studies**, Available at: <https://www.pressreader.com/cina/cin-english/20180520/281526521728952>
- Hughes, Lindsay (2014). Examining the Sino-Indian Maritime Competition: Part 3 – China goes to sea, **Future Directions International**, Available at: https://www.futuredirections.org.au/wp-content/uploads/2014/01/Examining_the_Sino-Indian_Maritime_Competition_Part_3_-_China_goes_to_sea.pdf
- Jie, Dalei (2020). The emerging ideological security dilemma between China and the U.S., **China Int Strategy Rev.** 2, 184–196.
- Kaplan, Robert D. (2009). Center Stage for the 21st Century: Rivalry in the Indian Ocean, **foreign affairs journal**, Available at: [https://www.consensocivico.com.ar/uploads/54820daa30f54-Kaplan-Center%20Stage%20for%20the%2021st%20Century%20Power\(CC\).pdf](https://www.consensocivico.com.ar/uploads/54820daa30f54-Kaplan-Center%20Stage%20for%20the%2021st%20Century%20Power(CC).pdf)
- Kazi, Aftab, (2007), End of Geopolitics and the Beginnings of Geopolinomics: United States in Central and Southwest Asia, Presentation during the conference “**The aspects of EU-Central Asia Relations**”, Berlin: Germany.
- Lorot, Pascal (2009). De la géopolitique à la géoéconomie, **la revue de Géoéconomie**, Vol. 3, no. 50, pp. 9 à 19. **(In French)**
- Manet, Florian (2021). Pourquoi le détroit d’Ormuz est-il un symbole des enjeux contemporains de la maritimisation de nos économies et sociétés ?, **Diploweb.com : la revue géopolitique**, Retrouver sur: <https://www.diploweb.com/Pourquoi-le-detroit-d-Ormuz-est-il-un-symbole-des-enjeux-contemporains-de-la-maritimisation-de-nos.html> **(In French)**
- Marrier D’unienville, Thomas (2019). L’océan Indien, nouveau centre du monde ?, **Diploweb.com : la revue géopolitique**, Retrouver sur: <https://www.diploweb.com/L-ocean-Indien-nouveau-centre-du-monde.html> **(In French)**
- Mead, Walter Russel (2014). The Return of Geopolitics. The Revenge of the Revisionist Powers, **Foreign Affairs**, 93 (3).
- Mearsheimer, John J. (2011). Imperial by Design, **The National Interest**, No.111, Available at: <https://www.mearsheimer.com/wp-content/uploads/2019/06/Imperial-by-Design.pdf>
- Niquet, Valérie & Péron-Doise, Marianne (2021). L’Asie face à l’AUKUS: interrogations et attentisme prudents, **Note de la FRS**, n°42. Retrouver sur: <https://www.frstrategie.org/publications/notes/asie-face-aukus-interrogations-attentisme-prudents-2021> **(In French)**
- Numa, Jean-Pierre (2018). Océan Indien : étude géopolitique et stratégique des flux maritimes, risques et menaces, **Diploweb.com : la revue géopolitique**, Retrouver sur: <https://www.diploweb.com/Ocean-Indien-etude-geopolitique-et-strategique-des-flux-maritimes-risques-et-menaces.html> **(In French)**
- Perelman, Rémi (2018). Tableau militaire de la région indo-pacifique, **Asie21**, Retrouver sur: <https://www.asie21.com/2018/03/01/tableau-militaire-de-la-region-indopacifique/> **(In French)**
- Solomon, Jay (2013). U.S. Grapples With Rift among Mideast Allies, **Wall Street Journal**, accessed 1 November 2021, Available at: <http://online.wsj.com/article/SB10001424127887324482504578453123638740206.html>.
- Xuan Hiep, Tran & Tuan Binh, Nguyen (2020). The Strait Of Malacca (Malaysia) With Its Role In The Network Of Maritime Trade In Asia And East – West Cultural Exchange In The Middle Ages. *PalArch’s Journal of Archaeology of Egypt / Egyptology*, 17(4), 84-92. Retrieved from <https://archives.palarch.nl/index.php/jae/article/view/249>

- Tweed, David & Leung, Adrian (2018). China Is Making a Bold Military Power Play, **Bloomberg**, accessed 28 January 2022, Available at: <https://www.bloomberg.com/graphics/2018-china-navy-bases/>
- Venkatshamy, Krishnappa (2013). The Indian Ocean Region in India's strategic futures: looking out to 2030, **Journal of the Indian Ocean Region**, 9:1, 17-41, DOI:10.1080/19480881.2013.793911
- Verluisse, Pierre (2021). Dossier géopolitique : Mers et océans au coeur de la mondialisation, **Diploweb.com** : la revue géopolitique, Retrouver sur: <https://www.diploweb.com/Dossier-geopolitique-Mers-et-oceans-au-coeur-de-la-mondialisation.html> (In French)

